

آب بستن در انتخابات!

باد، رأی ها را برد!

هفته گذشته در حالی که نوزدهمین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری ها در تهران در حال برگزاری بود، یک پسر بچه شیطان و خرابکار، به اسم «سندی» سواحل شرقی آمریکا را ویران کرد و حسابی آتش سوزاند. «سندی» بدون توجه به اینکه نمایشگاه مطبوعات خیلی عالی و بدون عیب و نقص دار د برگزار می شود و عنقریب است که کل رسانه های جهان در مقابل نظم و ترتیب و مدیریت برگزاری جشنواره مطبوعات سرخم کنند، شروع به شیطنت کرد و اخبار جشنواره را تحت الشعاع قرار داد! بعضی از تحلیلگران خوش ذوق بر این باورند که این توفان توطئه اجانب است برای منحرف کردن اذهان عمومی از موفقیت های جشنواره مطبوعات و خبرگزاری ها! باری ما که از این حرف ها خیلی سر در نمی آوریم، فقط می دانیم که در این بلبشو هر گروهی کار خودش را می کرد و بعضی از گروه ها در آمریکا و جاهای دیگر، بدون توجه به این حادثه طبیعی و خسارت ها و تلفاتش، مشغول کار خودشان بودند و اصلا و ابدا در کار «سندی» دخالتی نکردند. انگار که چنین فاجعهای اساسا رخ نداده است، بنده از قول یکی از همان تحلیلگران خوش ذوق شنیدم که می گفت این مسئله نشان دهنده احترام امریکایی ها به تخصص هاست و هر گروهی به کاری که در آن مهارت دارد می پردازد! نمی آیند بیخود و بی جهت در کار مردمی که مثل آدم در حال مردن و غرق شدن هستند دخالت کنند! از برا کار این گروه ها، یعنی تبلیغات انتخابات یک کار تخصصی است و فردن و خله خراب شدن هم کار تخصصی مردم است. در امریکا تقسیم کار وجود دارد، پس هر کس باید کار خودش را بکند. عجب تحلیلگری است این تحلیلگر ما! من آنقدر از تحلیل هایش لذت می برم که از او در خواست کردم نظرش را راجع به بخش های مختلف درگیر با توفان «سندی» برای من تشریح کند. حاصل تشریحاتش را به طور خلاصه برای شما هم نقل می کنم که مشغوف شوید.

مردم امریکا: ۶۰ میلیون امریکایی از توفان آسیب دیدند. نقش مردم امریکا در این حادثه بسیار نقش پررنگی بود. مخصوصا رنگین پوستان امریکا که خیلی قشنگ در این ماجرا نقش خودشان را ایفا کردند. نقشی که در تاریخ امریکا نشان داده اند همیشه خوب از پس آن برمی آیند! بله، مردم امریکا در اقدامی بشردوستانه در جریان این توفان، کشته و زخمی و بی خانمان شدند و بعد هم دچار کمبود امکانات و امدادسانی و تبعیض نژادی در کمک سانی ها شدند و بدون اینکه به دولت امریکا و سرمایه دارها که درگیر انتخابات هستند زحمت بدهند، برایشان خوراک تبلیغاتی درست کردند!

اوباما و اطرافیان: باراک اوباما بسیار بسیار دل نازک است و حس انسان دوستی اش همواره در اینگونه موارد فوران می کند! نمی توانید تصور کنید رئیس جمهور امریکا از این حادثه چقدر متأسف است. یکی از نزدیکانش می گفت اوباما زار زار گریه می کرده و توی سر و صورتش می کوبیده که چرا این توفان باید الان می آمد؟! فقط چند روز مانده به انتخابات و همه کارهایمان روی زمین مانده، بولی هم که نداریم و هر چه بود خرج تبلیغات کرده ایم. اما از آنجایی که باراک اوباما رئیس جمهور بسیار مسئولیت پذیری است، این حادثه باعث نشد از مسئولیت مهم خود یعنی شرکت در برنامه های تبلیغاتی انتخابات شانه خالی کند و یا حتی از میزان بزن و بکوب و بریز و بپاش و بگو و بخند مراسم ها کم کند!

میت رامنی و همراهانش: رقیب رئیس جمهور امریکا هم در جریان این حادثه شجاعانه مواضع خودش را بیان کرد و نگذاشت حتی یک کلمه حرف توی دلتش باقی بماند. رامنی تا می توانست به دولت امریکا و باراک اوباما به خاطر بروز این حادثه و ضعف امدادسانی حمله کرد. مدیر برنامه های تبلیغاتی میت رامنی به خود من گفت که کل تبلیغات و خبرسازی های ما برای انتخابات تا الان یک طرف، این توفان «سندی» یک طرف دیگرا اما وقتی از ایشان پرسیدم که چرا رامنی هیچ کمکی به توفان زده نمانی کند، گفت: اگر ما پولمان را صرف کمک به مردم کنیم ولی به خاطر غافل شدن از تبلیغات انتخابات را ببازیم، آن وقت خدای ناکرده اوباما رئیس جمهور می شود و فاتحه کشور خوانده است! ما مردم امریکا هم این را درک می کنند و به ما کمک می کنند!

شهرداری تهران: بله! یک پای این قضیه هم شهرداری تهران بود که با انتشار اخبار توفان «سندی» ثابت کرد عملکردش در ابگرفتگی مترو تهران خیلی هم ضعیف نبوده!



سه شنبه ۱۶ آبان ۱۳۹۱ | ۲۱ ذیحجه ۱۴۳۳ |



ارتباط با کشیده ۹۸۴۷۴۸۸۴



محمود محمدآبریزی

حرف های درگوشی

یک نفر زدبینی رفیقش را شکست، بعد از او پرسید: درد می کند؟ رفیقش جواب داد: نه همیشه، فقط وقتی نفس می کشم! ...

یکی از نامزدهای انتخابات امریکا، خیالش راحت شده که بیشتر اهالی ایالت های طوفان زده امریکا، دیگر دل و دماغ و امکان شرکت در رأی گیری را ندارند، چون تا الان همه نظر سنجی ها در این مناطق به نفع رقیبش بوده است!

اگر گفتید کدام زندانی است که بعد از زندانی شدن فعال تر شده و در نمایشگاه مطبوعات دو هزار بار فیلمش را پخش کرده اند؟! من مانده ام این زندانی آزاد شود، چی می شود؟ سوپر استار سینما؟! ...

این جمله در مورد مذاکرات دیپلماتیک معروف است: «فشار از پایین، چانه زنی از بالا (یا برعکس!)» برخی از مسئولان خلاق ما هم همین فرمول را به روابط خودشان با دیگر مسئولان تعمیم داده اند به این شکل: «نامه نگاری از بالا، زیر آب زنی از پایین!» شاید اختلاف ها اینجوری حل شود.

آن رفیقی که دماغش شکسته بود بعدها می گفت: «گرانی شیر و گوشت و مرغ و روغن نباتی من را همیشه اذیت نمی کند، فقط روزی ۳ وعده!»

شما که غریبه نیستید...

یک واحد مسکونی اجاره داده می شود!

شما که غریبه نیستید ما هم در این گیر و دار زندگانی گاهی احتیاج پیدا می کنیم خانه ای اجاره کنیم و در آن ساکن شویم البته گاهی فقط به این مسئله احتیاج پیدا می کنیم زیرا مایلک از ثیه پدري مان آنقدر هست که خانه ای در بالای شهر برای خودمان دست و پا کنیم و به خوبی و خوشی در حالی که همه چیز آرام است، احساس خوشبختی کنیم و بعد از خواب خوش بیدار شویم و ببینیم صاحبخانه آمده است و می گوید فرشتان را بنزید بالا تا منترای خانه را که به شما اجاره داده ام درست تر اندازد بگیرم چون این روزها هر یک متر در هر روز یک میلیون تومان اجاره... با میلیارد ها جواز دیگر ... این را من از جانب تعداد محدود و معدودی می گویم که خانه ندارند و نمی توانند هم خانه بگیرند چون درامشان آنقدر هانیست که مثلا ۲۵ میلیون تومان الان بدهند و ۲۰ میلیون تومان بعدی را با چند چک ناقابل ۴ میلیون تومانی در هر ۲ ماه پاس کنند و مابقی پول خانه را هم که شامل حال وام مسکن می شود را بر اساس حقوق دریافتی شان ماهیانه قسط بدهند و مابقی حقوقشان را هم به خرید گوشت مرغ و گوشتد و شتر و... بپردازند و بقیه اش را هم چیزی بخرند بیوشند که زمستان از سرما یخ نکنند که صاحبخانه بی اجاره بماند البته گفتیم که ما مشکل مسکن نداریم چرا که ما مسکنش را می خوریم و یک لیوان آب هم رویش و آب هم از سرمان گذشته است فقط چون چند وقت پیش یکی از دوستانمان را دیدیم که این روزها ترجیح داده از زندگی شهری به چادر نشینی در شهر رو بیاورد با خودمان فکر کردیم که مگر چند نفر مثل این دوست ما مشکل مسکن دارند ؟دو نفر یا نه یا تا سه نفر که آن هم قلیل حل است بنشیند تصمیم بگیرند که یا خانه بخواهند و یا اگر می خواهند چند سالی چند جایی فقط کار کنند بدون آنکه چیزی بخرند چیزی بخرند، چیزی بخرند کنند از چند سال قدیم هم گفته اند آدم چند سال سختی می کشد بعد آرامش می گیرد دیگر... ما هم حرفمان همین است اینچند سالی آدم سختی می کشد و تحمل می کند تا سال های بعدی که به ازای هر متر یک میلیون بابت رهن جمع کرده می رود در خانه اش می نشیند و نان خشکش را از تیدمی کند البته پادش باشد که هر چقدر سال طولتی می رود منتر از رهن هر متر خانه هم بیشتر می شود اما هر که خر بزه می خورد پای لرزش هم می نشیند!

کشیده از همه جا



حامد مرتضوی علوی

کمیک استرفیت

